



مجموعه کتابهای کنش‌سوزی

زندگینامه‌ی

چهارده معصوم (ع)

منبع تحقیق برای دانش آموزان



فهرست

- از خلافت تا شهادت ... ۳۸
نبرد در سه جبهه ... ۴۰
زندگینامه امام دوم حسن مجتبی علیه السلام ... ۴۲
کمالات انسانی ... ۴۳
بیعت مردم با امام حسن (ع) ... ۴۴
زندگینامه امام حسین (ع) ... ۵۱
حسین (ع) با پدر ... ۵۲
امام حسین (ع) در زمان معاویه ... ۵۳
قیام حسینی ... ۵۴
اخلاق و رفتار امام حسین (ع) ... ۵۷
زندگینامه حضرت اسجاد (ع) ... ۵۹
عبادت امام سجّاد (ع) ... ۶۰
شجاعت امام سجّاد (ع) ... ۶۱
جهاد امام سجّاد (ع) ... ۶۲
زندگینامه امام محمد باقر (ع) ... ۶۷
شهادت امام باقر (ع) ... ۷۲
امام ششم امام جعفر صادق (ع) ... ۷۳
عصر امام صادق (ع) ... ۷۴
جنبش فرهنگی در دوران امامت حضرت ... ۷۶
حاکمان معاصر ... ۷۷
شهادت حضرت صادق (ع) ... ۷۹
زندگینامه امام موسی کاظم (ع) ... ۸۰
نگاهی به زندگی پیامبر اسلام ... ۵
تولد و کودکی ... ۵
نوجوانی و جوانی ... ۶
یادی از پیمان حلف الفضول ... ۸
از دواج محمد (ص) ... ۹
آغاز بعثت ... ۱۰
نخستین مسلمانان ... ۱۱
آزار مخالفان ... ۱۴
مهاجرت به حبشه ... ۱۷
محاصره اقتصادی ... ۱۸
سفر به طائف ... ۱۹
هجرت به مدینه ... ۲۰
جنگ‌ها یا غزوه‌های پیغمبر (ص) ... ۲۲
نامه‌های رسول اکرم به پادشاهان ... ۲۴
حجّه الوداع ... ۲۶
در صحنه غدیر خم ... ۲۷
همسران پیامبر (ص) ... ۲۹
رحلت حضرت محمد (ص) ... ۳۰
زندگینامه امام اول علی (ع) ... ۳۱
دوران کودکی ... ۳۲
غدیر خم ... ۳۴
فداکاری بزرگ ... ۳۶

- ولادت ... ۱۲۵
- شهادت ... ۱۲۶
- تغسیل و تدفین ... ۱۲۷
- زنان و فرزندان موسی بن جعفر (ع) ... ۸۶
- صفات حضرت موسی بن جعفر (ع) ... ۸۶
- زندگینامه امامعلی بن موسی الرضا (ع) ... ۸۸
- زندگی امام در مدینه ... ۸۹
- امامت حضرت رضا (علیه السلام) ... ۹۰
- اوضاع سیاسی ... ۹۱
- سفر به سوی خراسان ... ۹۳
- ولایت عهدی ... ۹۴
- جنبه علمی امام ... ۹۵
- اخلاق و منش امام ... ۹۷
- شهادت امام ... ۱۰۰
- زندگینامه امام نهم امام جواد (ع) ... ۱۰۱
- شهادت حضرت جواد (ع) ... ۱۰۵
- زندگینامه امام علی النقی الهادی (ع) ... ۱۰۷
- اصحاب و یاران امام دهم (ع) ... ۱۱۲
- شخصیت حضرت امام هادی (ع) ... ۱۱۳
- شهادت امام هادی (ع) ... ۱۱۴
- زندگینامه امام حسن عسگری (ع) ... ۱۱۵
- شهادت امام حسن عسگری (ع) ... ۱۱۷
- زندگینامه امام زمان (ع) ... ۱۲۰
- مدت عمر شریف امام زمان (ع) ... ۱۲۱
- حیات امام زمان (عج) ... ۱۲۲
- نواب خاص ... ۱۲۲
- زندگینامه حضرت فاطمه زهرا (س) ... ۱۲۴



نگاهی به زندگی پیامبر اسلام

تولد و کودکی

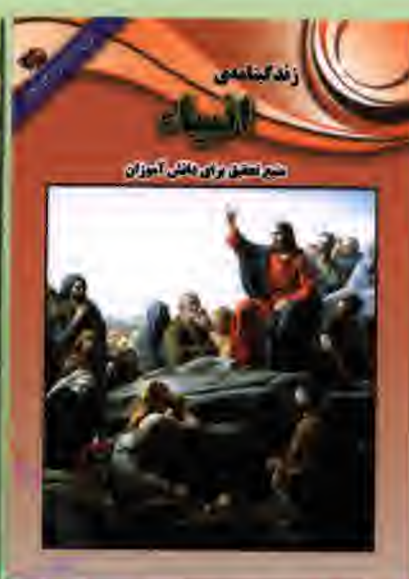
بیش از ۱۴۰۰ سال پیش در روز ۱۷ ربیع الاولی (برابر ۲۵ آوریل ۵۷۰ میلادی) کودکی در شهر مکه چشم به جهان گشود که نامش را «محمد» نهادند. پدرش عبدالله در بازگشت از شام در شهر یثرب (مدینه) چشم از جهان فرو بست و به دیدار کودکش محمد (ص) نایل نشد. همسر عبدالله، مادر محمد (ص)، آمنه، دختر وهب بن عبد مناف بود. برابر رسم خانواده های بزرگ مکه، آمنه، پسر عزیزش را به دایه‌ای به نام حلیمه سپرد تا در بیابان گسترده و پاک و دور از آلودگی‌های شهر پرورش یابد. حلیمه زن پاک سرشت مهربان به این کودک نازنین که قدمش در آن قبیله مایه‌ی خیر و برکت و افزونی شده بود، دلبستگی زیادی پیدا کرده بود و لحظه‌ای از پرستاری او غفلت نمی کرد. کسی نمی دانست این کودک یتیم که دایه‌های دیگر از گرفتنش پرهیز داشتند، روزی و روزگاری پیامبر رحمت خواهد شد و نام بلندش تا پایان روزگار با عظمت و بزرگی بر زبان میلیون‌ها نفر مسلمان جهان جاری خواهد شد، و مایه افتخار جهان و جهانیان خواهد بود. حلیمه بر اثر علاقه و اصرار مادرش، آمنه، محمد (ص) را که به سن پنج سالگی رسیده بود به مکه باز گردانید. دو سال بعد که آمنه برای دیدار پدر و مادر و آرامگاه شوهرش عبدالله به مدینه رفت، فرزند دلبندهش را نیز همراه برد. پس از یک ماه، آمنه با کودکش به مکه برگشت، اما در بین راه، در محلی به نام «ابواء» جان به جان آفرین تسلیم کرد و محمد (ص) در سن شش سالگی از پدر و مادر یتیم شد و رنج یتیمی

در روح و جان لطیفش دو چندان اثر کرد. سپس زنی به نام ام ایمن این کودک یتیم را همراه خود به مکه برد. این خواست خدا بود که این کودک در آغاز زندگی از پدر و مادر جدا شود، تا رنج‌های تلخ و جانکاه زندگی را در سرآغاز زندگانی بچشد و در بوته‌ی آزمایش قرار گیرد، تا در آینده، رنج‌های انسانیت را به واقع لمس کند و حال محرومان را نیک دریابد. از آن زمان در دامان پدر بزرگش «عبدالمطلب» پرورش یافت عبدالمطلب نسبت به نوه‌ی والاتبار و بزرگ‌منش خود که آثار بزرگی در پیشانی تابناکش ظاهر بود، مهربانی عمیقی نشان می‌داد. دو سال بعد بر اثر درگذشت عبدالمطلب، محمد از سرپرستی پدر بزرگ نیز محروم شد. نگرانی عبدالمطلب در واپسین دم زندگی به خاطر فرزند زاده عزیزش محمد (ص) بود. به ناچار محمد در سن هشت سالگی به خانه عموی خویش (ابوطالب) رفت و تحت سرپرستی عمش قرار گرفت. «ابوطالب» پدر «علی» بود. ابوطالب تا آخرین لحظه‌های عمرش یعنی تا چهل و چند سال با نهایت لطف و مهربانی، از برادرزاده‌ی عزیزش پرستاری و حمایت کرد. حتی در سخت‌ترین و ناگوارترین پیشامدها که همه اشرف قریش و گردنکشان سیه دل، برای نابودی محمد (ص) دست در دست یکدیگر نهاده بودند، جان خود را برای حمایت از برادر زاده‌اش سپر بلاکرد و از هیچ چیز نهراسید و ملامت ملامت کنندگان را ناشنیده گرفت.

نوجوانی و جوانی

آرامش و وقار و سیمای متفکر محمد (ص) از زمان نوجوانی در بین همسن و سالانش کاملاً مشخص بود. به قدری ابوطالب او را دوست داشت که همیشه می‌خواست با او باشد و دست نوازش بر سر و رویش کشد و نگذارد درد یتیمی او را آزار دهد. در سن ۱۲ سالگی بود که عمویش ابوطالب او را همراهش به سفر تجارتنی (که آن زمان در حجاز معمول بود) به شام برد. در همین سفر در محلی به نام بصری که از نواحی شام (سوریه فعلی) بود، ابوطالب به «راهبی» مسیحی که نام

وی «بحیرا» بود پرخورد کرد. بحیرا هنگام ملاقات محمد(ص) - کودک ده یا دوازده ساله - از روی نشانه‌هایی که در کتاب های مقدس خوانده بود، با اطمینان دریافت که این کودک همان پیغمبر آخرالزمان است. باز هم برای اطمینان بیشتر او را به لات و عزی - که نام دو بت از بت‌های اهل مکه بود - سوگند داد که در آنچه از وی می‌پرسد جز راست و درست بر زبانش نیاید. محمد با اضطراب و ناراحتی گفت، من این بت را که نام بردی دشمن دارم. مرا به خدا سوگند بده! بحیرا یقین کرد که این کودک همان پیامبر بزرگوار خداست که به جز خدا به کسی و چیزی عقیده ندارد. بحیرا به ابوطالب سفارش زیاد کرد تا او را از شر دشمنان، به ویژه یهودیان، نگاهبانی کند، زیرا او در آینده مأموریت بزرگی به عهده خواهد گرفت. محمد(ص) دوران نوجوانی و جوانی را پشت سر گذاشت. در این دوران که برای افراد عادی، سن ستیزه‌جویی و آلودگی به شهوت و هوس‌های زودگذر است، برای محمد(ص) جوان، سنی بود همراه با پاکی، راستی و درستی، تفکر و وقار و شرافتمندی و جلال. در راستی و درستی و امانت بی مانند بود. صداقت گفتار، راستی کردار، ملایمت و صبر و حوصله در تمام حرکاتش ظاهر و آشکار بود. از آلودگی‌های محیط آلوده ی مکه بر کنار، دامنش از ناپاکی بت پرستی پاک و پاکیزه بود به حدی که موجب شگفتی همگان شده بود، آن اندازه مورد اعتماد بود که به «محمد امین» مشهور گردید. «امین» یعنی درست کار و امانتدار. در چهره‌ی محمد(ص) از همان آغاز نوجوانی و جوانی آثار وقار و قدرت و شجاعت و نیرومندی آشکار بود. در سن پانزده سالگی در یکی از جنگ‌های قریش با طایفه‌ی «هوازن» شرکت داشت و تیرها را از عموهایش دور می‌کرد. از این جا می‌توان به قدرت روحی و جسمی محمد(ص) پی برد.



آدرس: میدان انقلاب، خیابان زاندارمیری
 بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، پلاک ۴۶
 تلفن تماس: ۶۶۴۱۳۸۷۰ - ۶۶۴۱۸۸۱۹

